

نقش علم اجمالی در تعیین فعلیت احکام از دیدگاه آخوند خراسانی و امام خمینی (ره)

خدیجه احمدی بیغش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده

در علم اصول، علم به دو دسته تفصیل و اجمال تقسیم می شود. این دو علم در بیان و کشف احکام شرعی کمک شایانی به مجتهد و فقیه می کند. علم تفصیلی، به معنای مشخص بودن اصل تکلیف است، اما علم اجمالی به معنای علم به جامع همراه با شک در جایگاه استقرار آن است. پس در این که این علم به میزان جامع تکلیف آوری آن مشخص است، اتفاق نظر وجود دارد اما تکلیف آور بودن علم اجمالی نسبت به بیشتر از جامع مورد اختلاف است. حال سوال این است که وجوب موافقت قطعی یا حرمت مخالفت قطعی در علم اجمالی، از دیدگاه آخوند خراسانی و امام خمینی چه تاثیری در تعیین فعلیت احکام دارد. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله، نشان می دهد آخوند خراسانی (ره) در علم اجمالی، فعلیت من جمیع الجهات باشد، پس مخالفت قطعی اش حرام، و موافقت قطعی اش واجب است. ولی اگر علم اجمالی فعلیت لامن جمیع الجهات داشت، علم اجمالی در هر دو مقام شامل تکلیف آوری می شود. امام خمینی (ره) برخلاف مرحوم آخوند (ره) معتقد است با موجود شدن علم اجمالی در وجوب موافقت قطعی، مخالفت قطعی حرام بوده و موافقت احتمالی کفایت می کند. یعنی نیازی به ترک همه اطراف موضوع نیست. این امر موجب می شود در صورت تزاحم با مفسده قویتر، جواز عمل قبیح نباشد.

واژگان کلیدی: علم اجمالی، وجوب موافقت قطعی، حرمت مخالفت قطعی، آخوند خراسانی (ره)، امام خمینی (ره)

^۱ دکترای تفسیر تطبیقی. طلبه سطح چهار حوزه. Kh.ahmadi3103@yahoo.com

یکی از بحث‌های پرثمر و مهم علم اصول، بحث علم اجمالی و منجزیت یا عدم منجزیت آن است. هرگاه سخن از علم اجمالی به میان می‌آید، ناخودآگاه ذهن انسان متوجه علم تفصیلی و شباهت و تفاوت آن دو با هم می‌شود. در علم اجمالی همچون علم تفصیلی، اصل تکلیف مشخص است. با این تفاوت که در علم اجمالی متعلق تکلیف مورد تردید واقع می‌شود. مثلاً می‌دانیم در ظهر جمعه، نمازی واجب است، اما نمی‌دانیم که وجوب به نماز ظهر تعلق گرفته یا به نماز جمعه. یا می‌دانیم نجاستی ایجاد شده؛ ولی نمی‌دانیم در کدامیک از این دو ظرف افتاده است.

در باب قطع، عمل بر طبق علم تفصیلی لازم است و موجب تنجز تکلیف و به منزله علت تامه برای آن می‌باشد. به طوری که در صورت اطاعت، فرد مستحق ثواب، و در صورت تخلف، مستوجب عقوبت خواهد شد. حال بحث در این است که آیا علم اجمالی نیز همانند علم تفصیلی منجز است و مخالفت قطعی با آن حرام، و موافقت قطعی با آن واجب می‌باشد. یا همانگونه که در شک بدوی باید به اصول عملیه مراجعه کرد، در صورت وجود علم اجمالی نیز باید از اصول عملیه پیروی کرد؟ بر فرض حرمت مخالفت قطعی با آن، آیا موافقت احتمالی با علم اجمالی کافی است. به این صورت که یک طرف را مرتکب و طرف دیگر را ترک کنیم، یا موافقت قطعی لازم است که لازمه آن احتیاط و ترک طرفین باشد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای دیدگاه مرحوم محمد کاظم آخوند خراسانی و روح الله موسوی الخمینی (ره) را، که از لحاظ لزوم پرداختن به اندیشه‌های نوین و افکار جدید دانشمندی صاحب نظر و پیش رو در میان علمای اصول به شمار می‌روند را، در مورد این موضوع، مورد بررسی قرار داده ایم. بدین منظور ابتدا مراحل احکام و نظرات مرحوم آخوند خراسانی (ره) در خصوص وجوب یا حرمت موافقت یا مخالفت قطعی پرداخته، و سپس دیدگاه امام خمینی (ره) در این زمینه مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت.

1- مراحل احکام

مراحل احکام از دیدگاه آخوند خراسانی و امام خمینی عبارتند از:

الف) از نظر آخوند خراسانی (ره):

ایشان احکام را دارای چهار مرحله می‌داند:

یک) مرحله اقتضا: که در آن استعداد و اقتضای ثبوت حکم در واجد مصلحت یا مفسده بودن مشخص می‌شود. مانند مفسده لازم الاجتناب که در شرب خمر وجود دارد. دو) مرحله انشاء: مرحله ای که در آن خداوند متعال که عالم به این مفسده یا مصلحت است، به تبع آن اقتضای حکم اقتضایی را انشاء می‌نماید. سه) مرحله فعلیت: که در آن حکم انشایی به فعلیت رسیده و انجام یا ترک را در پی

دارد. چهار) مرحله تنجز: که در این مرحله حکم به فعلیت رسیده، و مخالفت با آن، فرد را مستحق عقاب خواهد کرد. (آخوند خراسانی، ۱۳۶۸، ۷۰) از نظر آخوند خراسانی (ره)، وقتی تکالیف سه مرحله اول را پشت سر می گذارند و به مرحله تنجز می رسند ثواب و عقاب بر موافقت و مخالفت مترتب می شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۷، ۸۱).

ب) از نظر امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) کلام مرحوم آخوند خراسانی (ره) نپذیرفته و رد می کند. ایشان مراتب حکم را تنها دو مرتبه انشاء و تنجز می داند. یعنی احکام در مرحله اول قوانینی است که خداوند متعال بر نبی مکرم (ص) از طریق وحی انشاء و وضع کرده و لکن در صدر اسلام به خاطر وجود مصالح و مفاسدی تبلیغ نشدند و در نزد ائمه اطهار (ع) تا حضرت ولی عصر (عج) موجود است که مصلحت بروز و اجرای آن بعد از ظهور حضرت خواهد بود. مرتبه دو حکم، مرتبه اجرا و فعلیت حکم است و به جز این دو مقدمه، مرتبه دیگری وجود ندارد. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۸۴/۲-۱۸۳)

امام خمینی (ره) علم داشتن به حکم را -چه در تفصیل و چه در اجمال- مرتبه فعلیت حکم دانسته، که اگر عبادی نسبت به حکم فعلی مولی علم پیدا کند، حجت در نزد او تمام شده و آن حکم در حق او مُنجز می شود. در نتیجه، مخالفت با آن قبیح بوده و مورد مواخذه واقع می شود. به عنوان مثال حکم مولی به حرمت خمر، شامل ملکف عالم و جاهل می شود، و این حکم مُقید به علم و جهل نمی شود. همچنین اقتضاء و مصالح و مفاسد نیز از مبادی جعل به شمار می روند نه مراتب حکم. به این معنی که ابتدا حکم دارای اقتضاء می باشد و بعد انشاء می گردد؛ و سپس حکم انشاء شده به فعلیت می رسد. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۸۵/۲؛ موسوی الخمینی، ۱۴۰۷، ۵۷۹/۲؛ جزایری، ۱۳۸۸، ۳/۶۸۹؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۸، ۴۷/۲)

۲. فعلیت در علم اجمالی

مرحوم آخوند خراسانی (ره) در بحث علم اجمالی، فعلیت را به دو قسم: فعلیت من جمیع الجهات (فعلیت مطلقه)، و فعلیت لامن جمیع الجهات (فعلیت غیر مطلقه) تقسیم می کند:

یکم) فعلیت من جمیع الجهات: تکلیف به مرحله ای رسد که گویی علت تامه برای انجام واجبات و ترک محرمات حاصل شده است. در اینجا هر چند مُکلف به اجمالاً وجود دارد، علم اجمالی با وجود اجمالش تکلیف آور شده و مولا به هیچ قیمتی راضی به ترک آن نخواهد شد. در نتیجه عقلاً لازم است که به تکلیف عمل شود و در غیر این صورت استحقاق عقوبت پیدا می کند. در این فرض، با وجود علم اجمالی، عموم حدیث رَفَع (رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ) یا حدیث حُجِبَ یا سِعَهُ و... نمی تواند تکلیف را

رفع کند. (آخوندخراسانی، ۱۴۲۰، ۳۶۰؛ نائینی، ۱۳۶۹، ۲/۲۷۲؛ حیدری، ۱۳۸۵، ۷۶۷؛ صدر، ۱۳۸۳، ۵، ۲۰۲)

در واقع حکم عقل در اینجا، این عمومات را تخصیص داه، در نتیجه موافقت قطعی نسبت به تکلیف و جوب پیدامی کند، و مجالی برای جریان اصول عملیه و حکم ظاهری و براءت شرعی نخواهد بود.

دوم) فعلیت غیر مطلقه و لامن جمیع الجهات: یعنی در این صورت علم اجمالی نمی تواند همانند علم تفصیلی باشد. در اینصورت تکلیف به گونه ای است که مولا نسبت به آن عفو و اغماض دارد. در نتیجه براءت بر این امر جاری شده، و اساسا مخالفت قطعی نیز اشکالی ندارد و حکم ظاهری و اصول عملیه در این فرض جاری خواهد شد. (آخوند خراسانی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۷-۴۰۶؛ مشکینی، ۱۳۸۶/۲۲۴)

۳. موانع فعالیت علم اجمالی

مرحوم آخوند خراسانی (ره) عواملی که مانع از تحقق فعلیت مطلقه می شوند را شامل موارد زیر می داند:

۱) (خارج بودن بعض یا تمام اطراف علم اجمالی از محل ابتلا: مثلا ما علم اجمالی داریم که یا ظرف اول که متعلق به خودمان است نجس است یا ظرف دوم که هیچ ارتباطی با ما ندارد. در این صورت تکلیف، فعلیت مطلقه ندارد. لذا می توان از ظرف اول استفاده کرد.

۲) (اضطرار به ارتکاب بعضی از اطراف شبهه: اگر اضطرار به بعضی از اطراف شبهه معین تعلق گرفت، مثل آنکه به طور مشخص به مایع سمت راست خودمان مضطر شویم ولی به استفاده از دیگری مضطر نباشیم، چنین اضطراری مانع از فعلیت همه جانبه تکلیف شده و احتیاط نسبت به طرف دیگر لازم نیست.

اگر اضطرار به بعضی از اطراف شبهه غیر معین تعلق گیرد، مثلا دو ظرف آب موجود است که علم اجمالی نسبت به نجاست یکی از آنها داریم؛ از طرفی ناچاریم برای رفع عطش و هلاکت، از یکی از آنها بنوشیم؛ از هر کدام که نوشیده شود، رفع عطش و غرض حاصل می شود. در اینجا نیز این اضطرار فعلیت همه جانبه تکلیف را رفع می کند.

۳) (عدم احراز موضوع: یعنی تعلق گرفتن تکلیف به موضوعی که اجمالا می دانیم به زودی محقق می شود. در این صورت علم اجمالی فعلیت مطلقه پیدا نمی کند و احتیاط لازم نیست. مثل زنی که در طول ماه گرفتار استحاضه است و یقین دارد که از سی روز، چند روزش حائض خواهد بود ولی به طور دقیق از ایام حیض خود با خبر نیست که در اینصورت احکام حائض در مورد او فعلیت پیدا نمی کند. (آخوندخراسانی، ۱۴۲۰، ۴۰۸؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ۳/۳۸۵؛ حیدری، ۱۳۳۸، ۲۴۸؛ سبجانی تبریزی، ۱۴۱۴، ۳، ۴۸۱؛ نائینی، ۱۳۶۹، ۲/۲۷۲؛ حیدر، ۱۳۸۵، ۷۶۷؛ عراقی، ۱۳۶۴، ۳/۹۳)

۴. وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی

وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی از دیدگاه مرحوم آخوند خراسانی (ره) و امام خمینی (ره) عبارتند از:

الف) از نظر آخوند خراسانی (ره):

آخوند خراسانی (ره) معتقد است بین موافقت قطعی و مخالفت قطعی فرقی نیست. اگر علم اجمالی به تکلیفی تعلق گیرد که فعلیت من جمیع الجهات داشته باشد، هم مخالفت قطعی اش حرام است و هم موافقت قطعی اش واجب است.

اما اگر علم اجمالی به تکلیفی تعلق گیرد که فعلیت مطلقه نداشت، علم اجمالی در هر دو مقام (وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی) تکلیف آور است. از آنجایی که وجود تکلیف به تنهایی برای تکلیف آوری کافی نیست، لذا برای تاثیر باید عدم المانع به آن اضافه شود تا اثر آن مترتب گردد. مانند روایت «كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ حَالٌّ وَ حَرَامٌ، فَهُوَ لَكَ حَالٌّ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بَعِينَهُ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۲/۵۹، باب ۴، ح ۴) در نتیجه موافقت قطعی واجب نبوده، و مخالفت قطعی با آن نیز حرام نیست. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۷، ۳۸۴؛ انصاری، ۱۳۹۹، ۱/۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ۲/۲۸۲؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴، ۳/۹۶؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰، ۲۷۳)

ب) از نظر امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) در ابتدا بر این عقیده بودند که علم اجمالی علت تامه برای حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی است. اما بعدها از نظر خود برگشتند.

امام (ره) بیان می دارند: در فرض اول، یعنی حرمت مخالفت قطعی، علم اجمالی به منزله علت تامه می باشد، و با موجود شدن علم اجمالی، مخالفت قطعی حرام خواهد بود، و در صورت فعلی شدن تکلیف، حرمت مخالفت قطعی با علم اجمالی قطعی است و عقل و وجدان هم بر آن دلالت می کنند.

به بیانی دیگر اذن در ترخیص همه اطراف، اذن در معصیت بوده که از نظر عقلی قبیح است. اگر غرض مولی ترک عمل و حرمت ارتکاب آن بود، نباید از طرف دیگر اذن در انجام آن داده شود، و این دو با هم قابل جمع نیستند. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۵) به عنوان مثال اگر دو ظرف در اختیار داشته باشیم و شک کنیم که قطره خون در کدام یک از آن دو افتاده، نمی توان از هر دو ظرف استفاده کرد و ارتکاب همه اطراف علم اجمالی جایز نیست. زیرا منجر به مخالفت قطعی خواهد شد. فرد یقین می کند در هر صورت از آب نجس استفاده کرده که این امر قبیح و حرام است و عقلاً شارع نمی تواند آن را تجویز کند.

۵. شبهات و جوب مخالفت قطعی در علم اجمالی

امام خمینی (ره) به منظور تبیین وجوب مخالفت قطعی در علم اجمالی، شبهاتی که طرح شده، را بیان و پاسخ می دهند.

شبهه اول

اگر وقوع چیزی عقلا محال باشد، احتمال وقوع آن هم محال خواهد بود. مثلا اجتماع نقیضین محال است، احتمال اجتماع نقیضین نیز محال بوده و احتمال وقوع ندارد. لذا اگر چیزی احتمال وقوع داشته باشد، ممتنع الوجود نمی باشد.

شک در عدم حرمت مخالفت قطعی، حکایت از عدم ممنوع بودن آن دارد. چرا که با وجود شک شارع انجام آن را اجازه داده است و مخالفت قطعی با آن حرام نیست. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۶؛ موسوی الخمینی، ۱۴۰۵، ۳/۱۸۳) مانند اینکه می دانیم در بین قصابی های شهر، چند قصابی ذبحشان شرعی نیست و قصابی ها نیز قابل شمارش نیستند. در اینجا اذن در انجام برخی از موارد، داده شده است. بنابراین موافقت احتمالی در شبهات عاملی برای جواز مخالفت قطعی آنهاست.

پاسخ

امام خمینی (ره) در پاسخ به این شبهه می فرماید: یعنی ارتکاب بعضی از اطراف مورد شبهه، به قصد ضمیمه کردن سایر اطراف، غیر ممکن بوده و شارع چنین اذنی نخواهد داد. مثلا اگر چند لیوان آب داشته باشیم و ندانیم قطره خون در کدامیک افتاده، مکلف نمی تواند بگوید که از یکی می نوشم به قصد اینکه دیگری را بعدا استفاده کنم. اگر چنین قصدی داشته باشد، اذن ارتکاب ظرف اول را هم نداشته و اذن در استفاده از همان ظرف اول هم قبیح خواهد بود. و یا اینکه مثلا می دانیم یکی از قصابی های شهر گوشت ذبح نشده را می فروشد اما صرف نظر کردن از همه قصابی های شهر عقلا ممکن نیست.

اما اینکه یکی از اطراف شبهه را می توان انجام داد، در مواردی که احتمال اصابت، ضعیف باشد، گویی که اصلا جزو مصادیق شبهه محسوب نمی شود؛ لذا موضوع حرمت قرار نمی گیرد. مثلا اگر از بین چند صد لیوان مشکوک، یکی نوشیده شود، گویی که حکم عقلا، بر عدم حرمت است و می گویند: "این مشکوک نیست." نه از باب اینکه "این خمر نیست"، بلکه از این جهت که "این مشکوک نیست و شامل موضوع این حرمت نیست." (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۶)

ایشان بیان می دارد که حکم عقلا بر این است که ارتکاب بعضی از اطراف شبهه همراه با احتمال وقوع شی، یا احتمال وقوع حرام نیست. به عبارت دیگر، در شبهات هر چند از نظر عقلی، احتمال اصابت شی به حرام هست، ولی از نظر عقلایی، این احتمال وجود ندارد. به عنوان مثال ممکن است به

ما خبر دهند که یک فرد دیوانه ای یافت شده که اگر با شما روبه رو شود، ممکن است به شما صدمه بزند. این خبر مانع از رفتن ما به خیابان نخواهد شد. مسلماً در صورت شیوع خبر و کثرت احتمال، درجه حساسیت و پرهیز مردم و عقلاً بیشتر می شود. لذا اگر محتمل قوی باشد، ممکن است که احتمال را تقویت کند.

شبهه دوم

اگر گفته شود در صورتی که تک تک افراد را خارج کنیم، در نتیجه همه افراد خارج می شوند، سلب همه افراد با علم به اینکه یکی از افراد شامل شبهه است، چگونه جمع می شود؟ مثلاً وقتی می دانیم یکی قطعاً حرام است (موجبه جزئیه) چگونه می توانیم بگوییم تک تک اینها حرام نیستند (سالبه کلیه)؟ (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۷؛ صدر، ۱۳۸۳، ۵/۲۰۰-موسوی الخمینی، ۱۴۰۵، ۳/۱۸۷)

پاسخ

امام خمینی (ره) این شبهه را یک مغالطه دانسته و بیان می دارد آنچه با علم به وجود حرام واقعی در یکی از اطراف شبهه جمع نمی شود، اطمینان به وجود حرام واقعی در همه اطراف شبهه است. یعنی اگر گفته می شد که من اطمینان دارم که این مصداق در بقیه موارد نیست، این با موجب جزئیه قابل سازش نیست؛ زیرا سالبه کلیه با موجب جزئیه جمع نمی شود. اما در اینجا بحث از معلوم بالاجمال نیست، نه اینکه این مورد و بقیه موارد همه با هم حرام نیستند، لذا منافاتی پیش نخواهد آمد. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۷)

۶. معلوم بالاجمال

بنابراین احکام شرعی تنها در صورتی باعث انجام است که فعلیت داشته باشد و مکلف هم از آنها مطلع باشد. پس وجود واقعی تکالیف عامل انجام نیست، بلکه در صورتی که مکلف از آنها مطلع باشد موجب انجام است. این احکام اگرچه مشروط یا مقید به علم نیستند، اما وقتی مولا تکلیف را انشاء می کند به قصد دانستن مکلف و عمل کردن به آنها این انشاء را انجام داده، تا احکام دین تعطیل نشود. زیرا چه بسیار احکامی که به دست مکلفین نرسیده، در نتیجه عملی هم به آنها نشده است.

حال اگر تکلیفی معلوم نباشد، شارع باید برای دستیابی مکلف به واقع، احتیاط را واجب نماید. اما اگر احتیاط مفسده داشته باشد، شارع می تواند از مصلحت واقعی چشم پوشی کند. در این موارد مکلف می تواند برائت عقلی یعنی قاعده قبیح عقاب بلا بیان را جاری نماید. این اجازه شارع به معنای انداختن مکلف در مفسده نیست، بلکه برای دستیابی به مصلحت واقعی در مطلق شبهات احتیاط وارد می شود. اما اگر در وجوب احتیاط مفسده هایی مثل اختلال نظام یا عسر حرج پدیدار شود، یا در ترک آن مصلحت غالبی وجود داشته باشد، عمل به احتیاط واجب نیست. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/۱۸۸)

در مواردی که عقل حکم به براءت نمود و تکلیف واقعی بی اثر شد، عقل براءت شرعی مولا را قبیح و منافی با فعلیت تکلیف نمی داند. زیرا این تکلیف در عید موثر نیست و موجب تشویق او به عمل نمی شود. همچنین اجازه مولا به عدم احتیاط نیز، موجب به مفسده افتادن ملکف نمی شود. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۸۹ / ۲؛ حیدری، ۱۳۳۸، ۷۷۰)

امام خمینی (ره) بیان می دارد اینکه مولا بنده اش را به دلیل ترک تکلیف مهم مواخذه نمی کند؛ به دلیل فعلی نبودن تکلیف نیست، بلکه به دلیل آن است که عید قدرتی بر اطاعت از تکلیف فعلی نداشته است. یعنی فعلیت تکلیف ممکن است در جایی مشروط به شرطی مثل استطاعت می شود، ولی مشروط به علم و قدرت نیست. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۸۹-۱۹۰ / ۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۴، ۱۰۸ / ۱؛ انصاری، ۱۴۲۸، ۷۹ / ۱؛ مشکینی، ۱۳۸۶، ۲۲۳ و ۲۲۵)

۷. علم اجمالی و فعلیت تکلیف

وجود اذن مولا در انجام و ترک اطراف شبهات اجمالی، منافاتی با فعلیت تکلیف ندارد و صدور آن از مولا قبیح نیست.

به عبارت دیگر اگر تکلیف فعلیت داشت و احتیاط هم مفسده نداشت، مولا باید اذن به انجام مکلف به به صورت احتیاطی را بدهد. اما در صورت مفسده داشتن احتیاط، ترک آن قبیح نیست. همانطور که در صورت عدم فعلیت تکلیف، ترک آن احتیاط قبیحی ندارد. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۹۰ / ۲؛ محمدی، ۱۳۷۰، ۱۰۸ / ۱؛ انصاری، ۱۴۲۸، ۲۴ / ۱؛ موسوی الخمینی، ۱۴۱۴، ۳۷۱ / ۱)

۸. وجوب موافقت قطعی از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در بحث وجوب موافقت قطعی می فرماید: اگر در جمع بین امور مشتبه یعنی ترک همه اطراف در صورت حرام بودن، یا انجام همه اطراف در صورت واجب بودن، مفسده غالبی وجود داشت، اجازه مولا در برخی از اطراف علم اجمالی به جهت جمع بین دو امر یعنی حفظ واقع به مقدار ممکن و پرهیز از مفسده جمع بین شبهات جایز بوده و منافاتی با فعلیت تکلیف ندارد. بنابراین موافقت احتمالی کافی بوده و نیازی به ترک همه اطراف نیست بلکه اگر تعدادی ترک شود، کفایت می کند. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۹۰ / ۲)

اما در صورت فعلی شدن تکلیف، اذن مولا به همه اطراف علم اجمالی ممکن نیست. زیرا بین مصلحت واقعی و مصلحت جایز شمردن شده در مورد شبهه، مزاحمت ایجاد خواهد شد. مثلاً اگر جهت مفسده در شرب خمر با جهت مصلحت در اذن به انجام مورد مُشْتَبِه مزاحمت پیدا کرد در صورت غلبه مفسده خمر حرمت، فعلی خواهد شد و این جواز نسبت به همه اطراف نیست. در صورتی که مصلحت اذن به

انجام مورد مشتبه غلبه کند، حکم فعلی همان اذن مولا خواهد بود و حرمت خمر فعلیت نمی یابد. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/ ۱۹۱؛ حائری، ۱۳۳۹، ۷۱۹؛ بهبهانی، ۱۴۱۵، ۲۲۴)

بنابراین اذن مولا در مخالفت قطعی فقط در صورتی که تکلیف فعلیت داشته باشد ممکن است. اما اذن مولا در انجام بعضی از اطراف و مخالفت احتمالی، منافاتی با فعلیت تکلیف نخواهد داشت. در صورت تراحم با مفسده قوی تر نیز، این اذن مولا قبیح نخواهد بود. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۲/ ۱۹۱)

۹- سقوط تکلیف با علم اجمالی، با وجود علم تفصیلی

بحث مهمی دیگر در این زمینه آنکه آیا امثال علم اجمالی در صورتی که علم تفصیلی کفایت می کند و علم اجمالی مسقط تکلیف است یا نه؟ در اینجا از سه جهت باید بحث شود: واجبات توسلی، تعبدی، یا موضوع معاملات هستند.

- در واجبات توسلی: که نیاز به قصد قربت نیست، علم اجمالی کفایت از علم تفصیلی می کند.

- در معاملات: علم اجمالی با وجود علم تفصیلی کفایت کرده و مسقط تکلیف است.

- اما در عبادات، امثال علم اجمالی احتیاط بر دو قسم است: اول: احتیاط مستلزم تکرار عمل باشد، دوم: احتیاط مستلزم تکرار عمل نباشد مانند دوران امر بین اقل و اکثر، در هر دو قسم، عمل به احتیاط علم اجمالی می کنیم.

حال اگر امثال علم تفصیلی ممکن نباشد، آیا احتیاط مستلزم تکرار عمل است؟ دو صورت است:

- اگر امثال علم تفصیلی ممکن نباشد، عمل به احتیاط اشکال ندارد، چه احتیاط مستلزم تکرار عمل باشد یا نباشد، یعنی اگر هر دو عمل واجب ترک شود، با علم اجمالی مخالفت قطعی شده، و اگر با عمل به علم اجمالی هر دو انجام شود، موافقت قطعی می شود. در اینجا عقل می گوید احتیاط مسقط تکلیف است.

- اما در صورتی که عمل تکرار نشود با امثال علم اجمالی عقل حکم به احتیاط کرده و هر دو عمل انجام می گیرد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۷، ۳۸۴؛ انصاری، ۱۳۹۹، ۱/ ۲۷)

اما آیا امثال علم اجمالی در صورتی که علم تفصیلی کفایت کرده، و علم اجمالی مسقط تکلیف می شود؟ بعضی از اصولیون از جمله مرحوم آخوند خراسانی معتقدند علم تفصیلی با علم اجمالی تفاوتی ندارد.

پس اگر مکلف بخواهد از باب احتیاط هر دو نماز جمعه و نماز ظهر را بخواند، اخلال در قصد وجه ایجاد نمی شود و هر کدام واجب بود از عهده مکلف خارج می شود .

همچنین با وجود لزوم قصد قربت در عبادت، اگر در عبادات احتیاط جاری شود در تشخیص مأموریه تمیز لازم نیست، همین اندازه که انجام عبادت به امر مولا صورت گیرد کفایت می کند.

۱۰. علم اجمالی در تکرار عمل عبادی

ممکن است اشکال شود که: تکرار عمل اگر با انگیزه عقلانی باشد اشکال ندارد. در انجام واجبات تعبدی برانگیختن مکلف ناشی از بعث مولا است که باید یقین حاصل می شود که بعث مولا وجود دارد، و اطاعت محقق شده. اما در باب احتیاط یقین نیست، احتمال برانگیختن برای انجام عمل وجود دارد. به بیان دیگر در باب احتیاط این برانگیختگی بنده معنا ندارد. زیرا در احتیاط احتمال برانگیختن مولا در انجام مأموریه وجود دارد، و این احتمال برانگیختگی، حقیقا در مکلف دخالت ندارد.

پاسخ

این اشکال به دو صورت پاسخ داده شده است:

پاسخ نقضی: در صدق اطاعت، باید برانگیختگی عبد، ناشی از دعوت مولا باشد. این کلام در جائی که امکان علم تفصیلی باشد یا نباشد، فرقی ندارد، چون قاطع نیستیم.

پاسخ حلی: عقلاء عملی را که مکلف با تمام شرائط و خصوصیات انجام دهد را قبول دارند، و چیزی به نام برانگیختگی مولا وجود ندارد. (آخوند خراسانی، ۱۴۲۰، ۴۰۸ و ۴۰۷؛ مشکینی، ۲۰۲؛ نائینی، ۱۳۶۹، ۲/ ۲۳۹) در توسلیات و تعبدیات فرقی نیست، فرق در قصد قربت است. عقل عملی را که مکلف با تمام خصوصیات انجام دهد را قبول دارد، زیرا فرق تعبدیات و توسلیات در قصد قربت است. (موسوی الخمینی، ۱۴۰۵، ۲/ ۱۲۸) در نتیجه، اگر علم تفصیلی نبود علم اجمالی انجام خواهد شد.

اما در جایی که امکان عمل به علم تفصیلی در عبادات وجود نداشت، بنا بر علم اجمالی به احتیاط عمل می کنیم. در این صورت چون امکان عمل به علم تفصیلی نیست، یا مستلزم تکرار عمل است، یا مستلزم تکرار عمل نیست بنابراین اگر احتیاط را جاری نکنیم، طریقی برای انجام تکلیف باقی نمی ماند. زیرا در این صورت، با علم اجمالی مخالفت قطعیه شده، و باید نمازی خوانده شود تا موافقت احتمالی صورت گرفته گیرد. مانند خواندن نماز ظهر یا جمعه در روز جمعه. اگر هر دو نماز یعنی نماز جمعه و ظهر انجام گیرد، موافقت قطعیه حاصل می شود و عقلا نیز این عمل را تأیید می کنند.

قسم دیگر اینکه علم تفصیلی وجود دارد، ولی احتیاط می شود، یعنی علم اجمالی مثل علم تفصیلی عمل می کند و مکلف آنچه در عالم واقع بوده را باید اطاعت نماید. در نتیجه در عبادات نیز، علم اجمالی با علم تفصیلی تفاوتی ندارد.

نتیجه گیری

یافته های پژوهشی که از این تحقیق حاصل شد آنکه :

- در علم اجمالی همچون علم تفصیلی، اصل تکلیف مشخص است اما متعلق تکلیف مورد تردید واقع می شود.
- آخوند خراسانی (ره) مراتب احکام را چهار مرتبه اقتضاء، انشاء، فعلیت و تنجز می داند که وقتی تکلیف سه مرحله اول را پشت سر گذاشت و به مرحله تنجز رسید، ثواب و عقاب بر آن مترتب می گردد. ایشان معتقد است در علم اجمالی، اگر فعلیت من جمیع الجهات باشد، هم مخالفت قطعیه اش حرام است و هم موافقت قطعیه اش واجب. ولی اگر علم اجمالی فعلیت لامن جمیع الجهات داشت، عدم وجوب موافقت قطعیه و عدم حرمت مخالفت قطعیه را در پی خواهد داشت.
- امام خمینی (ره) بر خلاف مرحوم آخوند خراسانی (ره)، مراتب حکم را تنها دو مرتبه انشاء و فعلیت می داند. از نظر ایشان علم داشتن به حکم، نه در تفصیل و نه در اجمال، هیچ نحوه دخالتی در مرتبه فعلیت حکم ندارد و جاهل و عاجز مورد مواخذه قرار نمی گیرند، زیرا فاقد علم یا قدرت هستند. ایشان معتقدند علم اجمالی علت تامه برای حرمت مخالفت قطعیه و مقتضی نسبت به وجوب موافقت قطعیه می باشد، ولی بعدها از نظر خود برگشتند. در وجوب موافقت قطعیه اذن به بعضی اطراف علم اجمالی منافاتی با فعلیت تکلیف ندارد. لذا موافقت احتمالی کافی بوده و نیازی به ترک همه نیست.

منابع

۱. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۲۸ق). فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ نهم
۲. ایروانی، باقر. (۲۰۰۷م). الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثانی، قم، محبین
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۲۰ق). کفایه الاصول، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ

پنجم

۴.(۱۴۰۷ق). فوائد الاصول، تصحيح و تعليق: سيد مهدي شمس الدين، وزارت ارشاد اسلامي
۵.(۱۳۶۸ش). دررالفوائد في الحاشيه على الفرائد، تهران، وزارت ارشاد اسلامي
۶. جزايري، محمد جعفر.(۱۳۸۸ق). منتهى الدرايه في توضيح الكفايه، نجف، مطبعه النجف
۷. حائري، سيد محمد بن علي (معروف به مجاهد).(۱۳۳۹ق). مفاتيح الاصول، تهران، بي جا
۸. حر عاملي، محمد بن حسن.(۱۴۱۲ق). وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، بيروت، دار احياء التراث العربي
۹. حيدر، محمدصنقور علي.(۱۳۸۵ش). المعجم الاصولي، تهران، منشورات الطيار
۱۰. حيدري، علي نقى.(۱۳۳۸ش). اصول الاستنباط، قم، مطبعه العلميه
۱۱. سبحاني تبريزي، جعفر.(۱۴۱۴ق). المحصول في علم الاصول، قم، موسسه الامام الصادق
۱۲. شيرازي، محمد.(۱۴۲۶). الوصول الى كفايه الاصول، قم، دارالحكمه
۱۳. صدر، محمدباقر.(۱۳۸۳ق). بحوث في علم الاصول، قم، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه
۱۴.(۱۳۸۶ش). دروس في علم الاصول، قم، دارالعلم
۱۵. طباطبائي حكيم، محمد سعيد.(۱۴۱۸ق). المحكم في اصول الفقه، قم، موسسه المنار
۱۶. عراقي، ضياء الدين.(۱۳۶۴ش). نهايه الافكار، قم، موسسه نشر اسلامي
۱۷. فاضل لنكراني، محمد.(۱۳۷۴ش). ايضاح الكفايه، قم، نوح
۱۸. محمدي، علي.(۱۳۷۰ش). اصول الفقه (شرح اصول فقه محمدرضا مظفر)، قم، دارالفكر
۱۹. مشكيني، علي.(۱۳۸۶ش). اصطلاحات الاصول، قم، مركز اطلاعات و مدارك اسلامي
۲۰. مكارم شيرازي، ناصر.(۱۴۱۶ق). انوار الاصول، قم، نسل جوان
۲۱. موسوي الخميني، روح الله.(۱۳۷۸ش). الرسائل، قم، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)
۲۲.(۱۳۸۷ش). انوار الهدايه في التعليقه على الكفايه، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)

۲۳.(۱۴۰۷ق). تحريرات فى الاصول، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى(ره)
۲۴.(۱۴۰۵ق). تهذيب الاصول، قم، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى(ره)
۲۵.(۱۴۱۴ق). مناهج الوصول الى علم الاصول، قم، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى(ره)
۲۶. ميرزاى قمى، ابوالقاسم بن محمد حسن.(۱۴۳۰ق). قوانين الاصول، بيروت، دارالمرتضى
۲۷. نائينى، محمد حسين.(۱۴۱۶). فوائد الاصول، قم، موسسه النشر الاسلامى
۲۸.(۱۳۶۹ق). اجود التقريرات، قم، موسسه مطبوعاتى دينى